

چالش‌های زیست دینی (مورد مطالعه جوانان شهرستان سنندج)

سیدحسین سراج‌زاده*، سارا شریعتی**، کیهان صفری***

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۱/۳۰، تاریخ پذیرش ۹۵/۱۱/۲۰)

چکیده: واقعیت اجتماعی کردستان، خبر از وجود جریان‌های دینی- عقیدتی می‌دهد که خوانش‌های متفاوتی از دین و دین‌داری دارند، به طوری که می‌توان از نوعی تکثر دینی- عقیدتی در کردستان سخن گفت که زیست دینی جوانان کُرد را با چالش‌هایی هم‌مواجه کرده است. این مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش است که: مهم‌ترین چالش‌های زیست دینی جوانان با وجود تکثر دینی-مسلمی در شهرستان سنندج کدامند؟ در این پژوهش از روش کیفی و به طور خاص از نظریهٔ زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. براساس داده‌های گردآوری شده از میدان تحقیق، نه مقوله با عناوین: سلفی‌گری و بنیادگرایی دینی، مکاتب دینی و تعارضات دینی، تضاد سنت‌های دینی و مدرنیته، تحمیل ایدئولوژی‌های سیاسی-دینی مرکزی، فرقه‌گرایی، ترکیب و تعارض دین و سیاست، رشد بی‌عدالتی‌های دینی/سیاسی/ساختاری، بی‌اعتمادی به معارف دینی و دنیاگرایی برساخته شد. این مقوله‌ها حاکی از آن است که در میدان اجتماعی و فرهنگی کردستان تنش‌هایی جریان دارد که می‌تواند موجب تقویت جریان فرآیند سکولارشدن گردد و واکنش‌هایی

serajsh@yahoo.com
salarsara@hotmail.com
salarsara@hotmail.com

*. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

** . استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی تهران

*** . استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی تهران

نسبت به آن شکل گیرد. بنابراین، نه مقوله حاصل از داده‌ها حول مقوله "نش‌های چند وجهی مقوم سکولارشدن" به عنوان مقوله هسته تنیده شده‌اند.

مفاهیم کلیدی: بنیادگرایی دینی، تکثر دینی، سکولار شدن، زیست دینی، فرقه‌گرایی، نظریه زمینه‌ای.

مسئله

زیست دینی در دنیای جدید همواره با چالش‌هایی روبرو بوده است. پرسش این مقاله این است که در کردستان زیست دینی جوانان با چه مسائل و چالش‌هایی روبرو است؟ دین، یکی از کهن‌ترین و ماندگارترین پدیده‌ها و نهادهای زندگی اجتماعی است. دین، به عنوان یک نهاد اجتماعی با سایر نهادها و نیروهای اجتماعی تشکیل دهنده جامعه ارتباط متقابل دارد (جانستون^۱، ۱۹۷۵: ۳)، و در جهان مدرن هم، برخلاف درک متداول از نوسازی به عنوان دنیوی‌شدن، خصوصی شدن دین کماکان نقش مهمی را در سیاست، فرهنگ و جامعه بازی می‌کند (ترنر^۲: ۲۰۱۰). درعین حال، «زندگی دینی همیشه گرفتار و درگیر و تحت تأثیر بادهایی است که از جانب امور اجتماعی به درون آن می‌وزد و از آن گذر می‌کند... دین را نباید همچون واقعیت و موجودیتی در خود و قائم به ذات فهم کرد و مورد مطالعه قرار داد. به عکس، این نکته را باید به خاطر داشت که دین همیشه درگیر و گرفتار محیط اجتماعی- فرهنگی خاصی است» (زاگرم، ۱۳۸۴: ۱۴۱) و این رابطه و تأثیر و تأثر دو طرفه است.

کردستان ایران منطقه‌ای است که به طور ویژه‌ای با دیگر نقاط ایران تفاوت‌هایی دارد و در گذار تاریخی خود دارای شرایط خاصی بوده است. به‌ویژه در صد و پنجاه سال اخیر عواملی چون: تعاملات بین فرهنگی کردستان با کردهای عراق، سوریه و ترکیه، گرایش‌های دینی خاص خود (مذهب تسنن)، تضادهای فعال و مبارزات تاریخی مداوم با دولت مرکزی و مواجهه با جریان فکری مبارزاتی مدرن، کردستان را از دیگر نقاط ایران متمایز کرده است. از این رو، لازم است درباره زندگی دینی در این منطقه تحقیقات خاصی انجام شود.

در منطقه کردستان جریان‌های دینی متعدد فرقه‌ها و آیین‌هایی وجود دارند که خوانش‌های متفاوتی از دین و دین‌داری دارند و تفاوت‌ها و تعارض‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد زندگی دینی جوانان کُرد را با چالش‌هایی مواجه کرده است. از سویی دیگر، با توجه به مراوده‌هایی که میان کردستان عراق و ایران وجود دارد، اخیراً جریان اسلام رادیکال که عمدتاً به جریان سلفی‌گری

1. Janeston
2. Turner

منسوب است وارد کردستان ایران هم شده است. از آن‌جا که این جریان براساس تابعیت از گذشتگان، خود را صرفاً مسلمان می‌دانند، توجهی به مسائل قومی و قومیت‌گرایی ندارد و تنها بر هویت دینی تأکید دارند. این تفکر امروزه در کردستان ایران هم نفوذ کرده است و از طرف عده‌ای حمایت می‌شود (آزاده و بقالی، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، حضور این جریان (سلفی‌گری) نظم مستقر در کردستان را بر هم زده و سبب افزایش خشونت در منطقه شده است.^۱ به طوری که فضای مناسبی برای گفت‌وگو و تعاملات مسالمت آمیز در منطقه وجود ندارد و حتی گاه جای خود را به ضدیت و خشونت داده است. اما مهم‌تر از آن بازگشت و ایجاد فضایی امنیتی در کردستان است، فضایی که کردها طی سال‌های گذشته تلاش بسیاری برای رفع آن کرده‌اند.

گسترش بنیادگرایی، صف‌آرایی سکولار بنیادگرا را تقویت کرده است. آزاده و بقالی (۱۳۹۰) استدلال می‌کنند که «مهم‌ترین و رایج‌ترین گفتمان حاکم در کردستان سکولاریسم است و سلفی‌گری در مقابل سکولاریسم رایج در کردستان گسترش یافته است. سلفی‌ها به نوبه خود با تأکید بر شمولیت دین و حضور آن در تمامی حوزه‌های اجتماعی به نقد سکولاریسم و محدود کردن دین در اجتماع می‌پردازند. با آن‌که سلفی‌گری، در مقابله با سکولاریسم رایج در کردستان گسترش یافته است، تأکید زیاد بر توحید و مقدس‌زدایی از مکان‌هایی که در میان مردم مقدس شمرده می‌شوند، عملاً به رواج سکولاریسم کمک کرده است».

با این اوصاف، کردستان دارای گروه‌ها و جریانات فکری-سیاسی مختلف (ناسیونالیستی، سوسیالیستی، اسلام‌گرا)، و همچنین تعداد زیادی از فرقه‌ها و مکتب‌های دینی (بنیادگرا و سلفی، مکتب قرآن، اخوان المسلمین) می‌باشد. در نتیجه، می‌توان از نوعی تکثر دینی-عقیدتی در کردستان سخن گفت. این وضعیت مسائل و چالش‌ها و تعارضات فکری و عملی را برای مردم و به خصوص جوانان به وجود آورده است. این مقاله در نظر دارد با رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای^۲ چالش‌های زیست دینی جوانان در شهرستان سنندج را از منظر خود آنان مطالعه کند.

۱. می‌توان به ترورهای اشاره کرد که در چند سال اخیر در سنندج رخ داده است. برای نمونه ترور ماموستا برهان عالی امام جمعه موقت سنندج و ماموستا محمد شیخ‌السلام نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان.

2. Grounded theory

مفاهیم کلیدی

در این بخش به مفاهیمی اشاره می‌شوند که کارکردشان در فرایند تحقیق حساس‌سازی و توضیح مشاهدات و داده‌ها بوده است، با این توضیح که روش این پژوهش نظریه زمینه‌ای است و از چارچوب نظری خاصی برای ورود به بحث استفاده نکرده است. همچنین مفاهیم مورد استفاده در عین این‌که مفاهیم متداول در حوزه جامعه‌شناسی دین است، برای توضیح آن‌ها از آراء پیتر برگر^۱، جامعه‌شناس بلندآوازه دین بیشتر استفاده شده است.

تکثرگرایی دینی^۲

مفهوم تکثرگرایی به نوعی با مباحث مربوط به سکولارشدن پیوند داشته است این ایده در آرای افرادی مثل پیتر برگر برجسته تر است (بکفورد، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۵۲). برگر با یک چرخش پارادایمی از جامعه سنتی (دین به مثابه سایبان) به جامعه مدرن (خصوصی شدن دین)، می‌گوید که به سبب کثرت زیست جهان‌ها، و مدرن شدن عرصه‌های زندگی، وظیفه قدیمی دین از میان رفته است. (برگر، ۱۳۸۱: ۷۳). با کثرت زیست جهان‌ها و تجربیات گوناگون افراد و نظام‌های معانی متفاوت و بعضاً متضاد، وضعیت متکثری شکل می‌گیرد که اولین پیامد آن متکثر شدن دین می‌باشد (همان: ۸۷). در این وضعیت، در عرصه عمومی، انتخاب فردی به عنصری محوری تبدیل می‌شود و کارکرد جمعی دین به حوزه فردی و خصوصی راه می‌یابد. با ورود عنصر انتخاب در حوزه دین، در عرصه عمومی جامعه، تفاسیر مختلفی از دین ظهور می‌یابند، "بازار دین" رونق می‌گیرد و در سطح آگاهی ذهنی افراد، "سبک‌های دین‌داری" پدید می‌آید (برگر، ۱۳۸۱: ۸۸). این وضعیت باعث تضعیف تسلط دین بر جامعه و متکثر شدن واقعیت دین هم در بعد اجتماعی-ساختاری و هم در بعد ذهنی-شناختاری می‌شود. پیامد این تکثرگرایی دینی این است که فرد آماده می‌شود تا زمینه‌ها و استعدادهای لازم برای نوکیشی و تغییر دین در درون خود ایجاد کند (همان).

برگر زیر عنوان روند سکولارشدن به تحلیل این تغییر پارادایمی، یعنی تغییر از نظام معنابخش سنتی به جهان مدرن می‌پردازد. نتیجه این چرخش تکثرگرایی و غیر دینی شدن است که خود آن را قطبی شدن می‌نامد. «قطبی شدن دین که از غیر دینی شدن و از بین رفتن ناشی شده، می‌توان بدین صورت تعریف شود که غیردینی شدن فی‌نفسه به کثرت‌گرایی منجر می‌گردد» (برگر، ۱۳۷۵: ۶۸). با وجود این، همان طور که بکفورد به درستی توضیح می‌دهد، این رابطه به این

1. Peter Berger
2. Religious pluralism

سرراستی نیست و سکولارشدن و نیز تنوع دینی در شرایط خاصی ممکن است به تقویت ارزش‌های کثرت‌گرایانه منجر نشود (بکفورد، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۸۲).

سکولارشدن

پیتر برگر سکولار شدن را به عنوان «جریانی که از طریق آن، بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از اقتدار نهادهای دینی خارج می‌شوند» تعریف می‌کند. بنابراین تعریف، عرفی‌شدن (سکولار شدن) جامعه در کنار جنبه نهادی، شامل یک جنبه فرهنگی نیز می‌شود و دارای خصایصی است، از جمله: رهایی یک عده بازنمایی‌های جمعی از هر مرجع دینی، ساخت و تشکیل دانسته‌هایی که از دین مستقل می‌باشند، و همچنین ایجاد استقلال و خودرایی در وجدان و رفتار فردی نسبت به تجویزات و مقررات دینی (برگر، ۱۰۷: ۱۹۶۷).

البته برگر در مقاله «برخلاف جریان» (۱۳۷۷) عرفی شدن را به معنی کاهش باورها، مناسک و نمادهای دینی در نظر گرفته و نه تفکیک نهادی و یا تغییر موقعیت نهادی دین. به نظر برگر سکولارشدن تنها نهادها و واقعیت‌های بیرونی را در بر نمی‌گیرد، بلکه مشمول دنیای اذهان افراد نیز می‌شود. به عبارت دیگر سکولارشدن دو بعد دارد: بعد اجتماعی- ساختاری که به معنای جدایی نهادهای جامعه از قلمرو دین است و دیگری سکولارشدن ذهنی-شناختی که به معنای عدم تمسک افراد در تفسیرهای مذهبی در رفتار و پندار خویش است (همان، ۱۰۸).

با توجه به این‌که عرفی‌شدن فرآیندی است که در سه سطح فردی و اجتماعی و خود دین به وقوع می‌پیوندد (دابلر، ۱۹۹۹: ۲۴۸-۲۲۹). و برگر نیز معتقد است که سکولارشدن در سطح اجتماعی، لزوماً با سکولارشدن در سطح تفکر فردی ارتباطی ندارد (برگر، ۱۳۸۰: ۶). نباید این نکته را فراموش کرد که وقوع فرآیند عرفی‌شدن در سطح دین نمی‌تواند حتی موجب اهمیت یافتن آن در سطح فردی و اجتماعی گردد. به نظر برگر عامل مهمی که باعث سکولاریسم شناختی و ذهنی می‌گردد، کثرت‌گرایی است که خود ناشی از سکولارشدن است (همان: ۱۳۵). با وجود این، همان‌طور که خود برگر و بروس و کازاونا توضیح می‌دهند، فرایند سکولارشدن خود واکنش‌هایی از طرف اجتماعات و گروه‌های دینی داشته که گاه به تقویت و رادیکال شدن سنت‌های دینی منجر شده است (نگاه کنید به وودهد و هیلز، ۲۰۰۰، ۴۵۴-۴۶۱).

بنیادگرایی دینی

بنیادگرایی دینی به معنای بازگشت به اصولی است که معرف اساس دین است. فعالیت بنیادگراها همیشه به صورت واکنشی و با رجوع به گذشته صورت می‌پذیرد. بنیادگراها دست به

گزینش می‌زنند؛ آن‌ها انرژی خود را صرف به کار بستن جنبه‌های برگزیده‌ای از دین می‌کنند که بهترین مقوم هویت آن‌هاست و انرژی و وحدت نهضت آن‌ها را تضمین می‌کند. «بنیادگراها یا با نام خدا در ادیان توحیدی و یا با نام علائم و نشانه‌های مرجعی متعالی می‌جنگند» (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۳۰). گزینشی برخورد کردن با دین یکی از ویژگی‌های اصلی بنیادگرایی دینی است. ویژگی دیگر بنیادگرایان رویکرد گزینشی آن‌ها به مدرنیته است. به این ترتیب آن‌ها عناصری را هم از دین و هم مدرنیته انتخاب می‌کنند که در راستای اهدافشان قرار دارد، و از آن‌جا که تقریباً هیچ یک از رهبران گروه‌های بنیادگراها، که ایجاد کننده ایدئولوژی این گروه‌ها نیز به حساب می‌آیند، عالمان دینی نیستند، تفاسیر به‌رأی زیادی از دین می‌کنند (هولند، ۱۹۹۹). از این رو، بنیادگرایان توان تقابل با نظام‌های اجتماعی را دارند، که از دیدگاه آنان دچار فساد شده‌اند. هر نوع بنیادگرایی دینی در واقع نوعی جنبش- اجتماعی است که سعی در ایجاد تغییرات در اجتماع و، به زعم خود، فسادزدایی از آن دارد. بنابراین می‌توان بنیادگرایی را در روزگار کنونی جنبشی اصطلاحاً سیاسی دانست که خواستگاهی دینی دارند (زاهد زاهدانی و حمیدی‌زاده، ۱۳۹۱). بنیادگرایان معمولاً تعبیری ایدئولوژیک از دین دارند. این تعبیر در نتیجه تقابل بنیادگرایی با مدرنیته و در پی آن، تلاش برای تغییر وضع اجتماعی موجود به عنوان یک برنامه عملی برآمده از دین است. بنابراین می‌توان بنیادگرایان را گروه‌های عمل‌گرایی^۱ تلقی کرد که دین برای آن‌ها نقش ایدئولوژی مبتنی بر شریعت را ایفاء می‌کند (پازوکی، ۱۳۸۳: ۳-۴). بنیادگرایی، خود پاسخی به تهدیدهای هویتی است که در پی فرایند مدرن‌شدن و سکولارشدن پیروان سنت‌های بزرگ دینی خود را با آن مواجه می‌بینند.

فرقه‌گرایی

فرقه‌گرایی اساساً منشأ دینی دارد. فرقه‌گرایی مذهبی یکی از عواملی است که مانع بروز کارکرد انسجام بخش دین می‌شود. در این چهره دین مشابه یک خط گسل و شکاف اجتماعی عمل کرده و موجبات تجزیه و انشقاق شهروندان را فراهم می‌کند. فرقه‌های مذهبی مردم را به چند بخش و گروه متفاوت تقسیم می‌کند. از نظر زیمل، در فرقه‌ها صورت‌های خاصی از کنش متقابل ساختاری حاکم است (حاجیانی، ۱۳۸۳). یکی از پدیده‌های ذاتی فرقه‌گرایی، شکل‌گیری انواع ضد فرقه‌هاست (بن بریج، ۱۹۹۹: ۴).

فرقه گروهی نسبتاً کوچک است که در پی تکامل معنوی فرد است و در تلاش است که افراد عضو را به تبعیت بی‌واسطه وادار کند. به طور کلی تفاوت فرقه با مذهب در کم بودن تعداد اعضای آن و بسته عمل کردن آن است. تأکید عمده فرقه بر اطاعت و انطباق تام افراد با مبانی فرقه است.

1. pragmatic

آن‌ها معتقدند که راه رسیدن به رستگاری به طور انحصاری در اختیار آن‌هاست (مور^۱، ۱۹۸۸: ۷). در ادبیات جامعه‌شناسی، محرومیت به عنوان یکی از منابع مهم فرقه‌گرایی به حساب آمده است. ترولچ، فرقه‌ها را اعتراض علیه وضع موجود می‌داند که به وسیله آن، افراد محروم موقتاً بر احساس محرومیت‌شان فائق می‌آیند (تامسون و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۱۱). از نظر استارک و بین بریج، فرقه انحراف و رویگردانی از یک سازمان مذهبی جا افتاده است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۴۸). جنبش‌ها و انشعاب‌های دینی، غالباً با تقسیم‌بندی‌ها و کشمکش‌های اجتماعی همراه بوده‌اند؛ بنابراین فرقه‌ها می‌تواند تا اندازه‌ای به بررسی اختلاف‌های اجتماعی نیز منجر شود (باوکر^۲، ۱۹۹۶: ۲۱۳).

روش پژوهش^۳

روش این پژوهش کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای^۴ است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق است. جمعیت مورد مطالعه، جوانان مرد ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر سنندج می‌باشند. نمونه‌گیری نظری و با شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی و شبه‌گلوله‌برفی و در دو مسیر موازی جلو رفت: اول از طریق ارتباط اولیه با افرادی که دارای نگرش‌ها و رویکردهای متفاوتی بودند و اعتمادی بین آن‌ها و مصاحبه‌گر ایجاد شده بود. دوم مسیر یافتن افرادی که از طرف مصاحبه‌شوندگان اولیه معرفی می‌شدند^۵. در نتیجه با ۳۵ نفر از جوانان سنندجی مصاحبه عمیق به عمل آمد تا اشباع نظری حاصل شد. از آن‌جا که مردم شهرستان سنندج به زبان کردی تکلم می‌کنند، مصاحبه‌ها با زبان کردی انجام شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه شیوه کدگذاری استفاده شده است: کدگذاری باز، کدگذاری محوری (میان‌بر زدن و مرتبط‌سازی مقوله‌ها به یکدیگر (کوربین، ۲۰۰۸: ۱۹۵)، به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۹)، و کدگذاری گزینشی، که آخرین مرحله کدگذاری یعنی، «یکپارچه کردن و پالایش نظریه» است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۶۵)، به شیوه نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. و بعد

1. Moor

2. Bowker

۳. برای آگاهی از اطلاعات زمینه ای مصاحبه شونده‌گان به جدول پیوست مراجعه شود.

4. Grounded theory

۵. در این تحقیق به دلیل فرض متکثر بودن نسخه‌های چالش‌های زیست دینی و برای به دست آوردن نتایج بهتر و کامل‌تر، مفهوم نمونه‌گیری با حداکثر تغییرات را مورد توجه قرار دادیم. در نمونه‌گیری با حداکثر تغییرات، محیط‌ها، رویدادها و افراد مطلع طوری انتخاب می‌شوند که وضعیت‌های هرچه متفاوت و متنوع‌تر را در دسترس پژوهشگر قرار دهند (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

از شناسایی مفاهیم اصلی و فرعی و دستیابی به مقولات اصلی و برقراری ارتباط میان آن‌ها، تحلیل‌ها در قالب مدل پارادایمی ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

در بین اطلاعات فراوان به دست آمده از مصاحبه با شماری از جوانان شهرستان سنندج، بنا به اهداف پژوهش نمونه‌گیری نظری صورت گرفت و تلاش شد به مسئله پژوهش پاسخ داده شود. چالش‌های زندگی دینی مفهومی چندوجهی و فرار است و بنابراین تلاش شد، داده‌های برآمده از گفتگوها، براساس اصول نظریه زمینه‌ای، در قالب مقوله‌هایی دسته‌بندی و فهم‌پذیر شوند. با بررسی داده‌های به دست آمده در مرحله کدگذاری اولیه ۵۱ مفهوم و ۹ مقوله عمده استخراج شدند که در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند. در ادامه با استناد به داده‌های مصاحبه‌ای جوانان شهرستان سنندج، به اختصار به توضیح هر یک از مقولات ۹ گانه فوق می‌پردازیم.

سلفی‌گری و بنیادگرایی^۱

سلفی‌گری، اصطلاحی است که در چند سال اخیر در جامعه کردستان، از توده مردم گرفته تا نخبگان و دانشگاهیان، با آن آشنایی زیادی پیدا کرده‌اند و به مثابه یک جریان تند دینی آن را شناخته و بازنمایی می‌کنند. جریان بنیادگرایی دینی که در کردستان و در میان مردم با نام سلفی‌گری^۲ شناخته شده است؛ در سال‌های اخیر علاوه بر تعارض‌هایی که با مردم و سنت دینی داشته، با حکومت نیز تعارضات زیادی داشته است. به عنوان نمونه، در سال‌های اخیر درگیری سلفی‌ها با نیروهای دولتی را در شهرستان سنندج در چند نقطه از شهر شاهد بوده‌ایم. تنش‌هایی که با ورود سلفی‌گری به کردستان و تندروی‌های زیادی که از طرف این جریان و پیروان این گروه‌ها صورت می‌گیرد، از جانب تعدادی از جوانان کُردی که در مصاحبه شرکت داشته‌اند مورد قبول نبوده و در اکثر موارد آن را یک چالش بزرگ در کردستان دانسته و در مخالفت با آن موضع گرفته‌اند.

ایمان ۲۲ ساله مخالف کامل این جریان است و نظرش را این‌گونه بیان می‌کند:

«من از ریشه با اون‌ها مخالفم. اون‌ها جماعتی تندروند که در شهر ما زیاد هم هستند.

اون‌ها واقعا اتحاد عجیبی دارن و به نظر من این اتحاد بسیار ویرانگره. این ادعا که اون‌ها

دارن مبنی بر این که دیدگاه و عقایدشان معرف اسلام حقیقی صدر اسلام است رو زیاد

1. fundamentalism

۲. برای آشنایی با نحوه شکل‌گیری این جریان در کردستان به مقاله اعظم آزاده و بقالی (۱۳۹۱) رجوع شود.

قبول ندارم اساساً اونا رو بسیار مضر می‌دونم و در کل جریانات دینی رو مضر می‌دونم. من پسر دایی خودم سلفیه اون شغلش رو رها کرد و به شهرهای دیگه سفر می‌کنه، همیشه در حال سفره و به قول خودش داره اسلام واقعی رو تبلیغ می‌کنه»

این افراد زبان و منطق خاص خودشان را دارند و متفاوت از دیگران بوده حتی در بسیاری از موارد از گفت‌وگو و آوردن استدلال منطقی هم سرباز می‌زنند. افراد به کار گیرنده این زبان سعی دارند با استفاده از مفاهیم عرفانی و زبان خاص دینی و تند خود، خود را در نظام معرفتی و چارچوبی خارج از عقلانیت موجود در جامعه مطرح‌کنند تا بدین طریق از به وجود آوردن فضای گفت‌وگو اجتناب کنند.

رضا ۲۷ ساله در مصاحبه‌اش می‌گوید:

«معمولاً سعی می‌کنم که با اونا ارتباط برقرار نکنم. من در کل جوی که اینا ایجاد کردن را زیاد وسیع نمی‌بینم چون جو کردستان و سندج یه جو دینی نیست ... هر چند اونا معمولاً مدعی‌اند که برای مقابله با سکولاریسم و بی‌دینی به پا خواسته‌اند. در کل من این جریانات و نفوذ جریانات تندروی مثل این سلفی‌ها رو برای جامعه مضر می‌دونم و فکر می‌کنم که تنش‌آفرین هست.»

ملاحظه می‌شود که جریان سلفی‌گری که در کردستان ظهور و بروز داشته از طرف مصاحبه‌شوندگان مثبت ارزیابی نمی‌شود. به نظر می‌رسد که وجود سلفی‌گری بخشی از گفتمان‌های دینی در متن کردستان شده است. همان‌طوری که جوانان در مصاحبه‌ها اشاره داشتند، ما هم اکنون می‌توانیم این گروه را در جامعه، مساجد و عرصه عمومی^۱ ببینیم. آن‌ها معمولاً به شیوه جهادی و تبلیغی عمل می‌کنند و پای‌بند به مکان خاصی نیستند. می‌شود گفت که گروهی سیال هستند که به محض احساس خطر در جایی مهاجرت می‌کنند و دال مرکزی آنان را اعتراض تشکیل می‌دهد، یعنی اعتراض به وضع موجود. از آن‌جا که یکی از شرایط یا علل شکل‌گیری این گروه‌ها اعتراض به وضع و شرایط موجود در جامعه و بی‌عدالتی‌های موجود است در نتیجه هر جا که آن‌ها بی‌عدالتی را در سطح جامعه ببینند نسبت به آن وضع اعتراض می‌دهند. این وضعیت و شرایط بستری را فراهم می‌کند که زمینه را برای ایجاد تنش میان گروه‌ها و مکاتب و فرقه‌ها ایجاد می‌کند. آن‌ها بیشتر از هر چیز برای مقابله با وضعیت سکولار موجود در جامعه قد علم می‌کنند و وظیفه خود می‌دانند که در برابر شرایط و وضعیت سکولار، ناعادلانه و غیر دینی واکنش نشان دهند و دیگران را به زعم خود در مسیر اصلی اسلام قرار دهند و با گفتمان‌های سکولار به مقابله برخیزند تا بتوانند جامعه‌ای را که در مسیر فرآیند سکولار شدن قرار گرفته و به تعبیر آن‌ها راه بی‌دینی را در بر گرفته نجات دهند (آزاده و بقالی، ۱۳۹۰).

1 Public sphere

جدول ۱: مقوله‌های استخراج شده عمده مربوط به چالش‌های زندگی دینی جوانان

مقوله هسته	مقولات	مفاهیم
تنش‌های چندوجهی مقوم سکولار شدن	سلفی‌گری و بنیادگرایی	تفاوت‌ها و تعارضات دینی، وجود تندروی‌های دینی در منطقه، نفوذ جریان‌های بنیادگرایی دینی به کردستان ایران و پیوستن بعضی جوانان کُرد به آن‌ها، تنش بنیادگرایان دینی با حکومت، همبستگی قوی در میان بنیادگرایان دینی، مضر بودن بنیادگرایی دینی، بی بنیادی عقاید سلفی‌ها و تنش آفرین بودن آن‌ها، کشته شدن برخی علمای دینی توسط بنیادگرایان
	مکاتب دینی و تعارضات دینی	وجود مکاتب دینی در سنندج، اختلاف میان مکاتب و گفتمان‌های دینی در سنندج، مکتب قرآن و جدایی طلبی این مکتب از دیگر مکاتب
	تضاد سنت‌های دینی و دیدگاه‌های مدرن	نگرش‌های مدرن نسبت به دین، نگرش سنتی خانواده‌ها به دین و مناسک دینی، کنار گذاشتن نگرش‌ها و مناسک دینی، نفوذ مدرنیته و نگرش به دین، تنش نگرش‌های سنتی به دین با نگرش‌های نو و مدرن، به حاشیه رفتن سنت‌های دینی با نفوذ عناصر مدرن، کنار گذاشتن محدودیت‌های دینی در اثر نفوذ عناصر مدرن
	تحمیل ایدئولوژی‌های سیاسی - دینی مرکزی	تأثیر ایدئولوژی‌های تحمیل شده بر نگاه به دین، دین به مثابه حکومت اکثریت بر اقلیت، تحمیل ایدئولوژی‌های دینی
	فرقه‌گرایی	تأثیر فرقه‌ها بر شک نسبت به دین، اختلاف فرقه‌ها، تأثیر جریان‌ات دینی-فرقه‌ای، نگاه منفی به محدودیت‌های فرقه‌ای، وجود اهل تصوف و شیوخ، بی‌اعتمادی جوانان به اهل تصوف و حلقه‌های عرفان و شیوخ، وجود فرقه‌های نقش‌بندی و قادری در کردستان
	ترکیب و تعارض دین و سیاست	تأثیرات منفی دین و سیاست برهم، زده شدن از دین سیاسی، فردی شدن دین و جدایی از سیاست، تفوق اقلیت بر اکثریت یا بر عکس
	رشد بی‌عدالتی‌های سیاسی/دینی/ساختاری	تأثیر ساختار جامعه بر نگاه به دین، اولویت یافتن مسائل اقتصادی و سیاسی و... نسبت به دین، توجیه بی‌عدالتی‌های موجود با نام دین، فقر اقتصادی و کم‌رنگی دین
	بی‌اعتمادی به معرفان دین	بدبینی به داعیه‌داران دین و دین‌داری، نگرش منفی به معرفان دین
	دنیاجویی	عدم پابندی به دین، اولویت مسائل قومی به دین، فضای کم‌رنگی دینی، پیشی گرفتن مسائل این دنیایی نسبت به دین، وجود احزاب چپ سکولار

موج نوین سلفی‌گری و ادعاهای آنان و پیروان این گروه شرایط و فضای دینی در کردستان را دوچندان در معرض تنش و اختلاف و تضاد بین گروه‌ها قرار داده است به طوری که از مصاحبه با نمونه‌ای از جوانان پیدا بود که وجود این جریانات دینی و تنش در میان گروه‌ها و جناح‌های دینی - مذهبی فضا را برای یک جو متعادل و دموکراتیک دینی - مذهبی تنگ کرده است و فضای سیاسی امنیتی را به جامعه کردستان برگردانده است.

مکاتب دینی و تفاوت/تعارضات دینی

کردستان همیشه و در طول تاریخ مکان شکل‌گیری مکاتب دینی بوده است. قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی و اوج گرفتن گفتمان‌های دینی در ایران، کردستان نیز شاهد شکل‌گیری مکاتبی دینی در متن خود بوده است. کردستان که همیشه دین در آن نهادی زنده و جریان‌ساز بوده است، بعد از انقلاب اسلامی ایران شاهد فراز و فرودهای دینی و بعضاً تنش‌زا با دیگر مکاتب و احزاب و حتی با ناسیونالیسم دینی - مرکزی و سایر ایدئولوژی‌های موجود در منطقه بوده است. مکتب قرآن به عنوان نخستین گروه اسلامی که با برداشت ویژه و نوکارکردگرایانه‌اش از اسلام، همزمان با اسلام‌گرایی سیاسی در ایران، این ایده را وارد کردستان کرد و به عنوان یک جریان دینی رسماً پا به عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی کردستان گذارد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱). پس از آن، فضای دینی و سیاسی کردستان با فراز و فرودهایی مواجه می‌شود و اسلام‌گرایی سیاسی تأثیرات زیادی در متن جامعه کردستان مخصوصاً شهر سنندج می‌گذارد. این جریانات و گفتمان‌ها و مکاتب خاص و بعضاً متفاوت کماکان در کردستان بحث برانگیز، تنش‌زا و چالش‌برانگیز هستند و جوانان را می‌توان اصلی‌ترین مخاطبان این گفتمان‌ها و مکاتب در کردستان دانست که با این جریانات دینی روبه‌رو می‌شوند.

رضا ۲۰ ساله می‌گوید:

«این مکاتب و گفتمان‌های موجود به نظر می‌آید که خود باعث تنش در میان جوانان شده‌اند. قواعد و ضوابط سخت و خشکی دارند و جوونا نمی‌تونن این رو بپذیرن».

بلال ۲۵ ساله در این مورد می‌گوید:

«این مکاتب در کردستان با هم تضاد دارند چون هر کدوم چیزی رو میگن و تبلیغ می‌کنن و به هر کدوم از این مکاتب نه گفتم مخصوصاً با کاک احمدی‌ها^۱ چون به سری اعتقادات دست و پا گیر دارن. این طرز رفتار و اعتقادات برام عذاب‌آور و

^۱ پیروان احمد مفتی زاده، عالم و مبارز مسلمان کرد.

نمی‌خوام با اونا اصلاً ارتباطی داشته باشم چون اونا به سری جبرهای سخت و خشک دارن که فقط به درد خودشون میخوره».

مکتب‌های دینی و سیاسی در هر دوره‌ای گفتمان خاصی را دنبال کرده‌اند و وجود و تعدد این گفتمان‌ها و مکاتب در سنندج بیش از هر جایی در کردستان مشهود بوده است. گفتمان‌های سوسیالیستی^۱، ناسیونالیستی^۲ و اسلام‌گرا^۳ و وجود پیروان خاص این گفتمان‌ها به کردستان شرایط ویژه‌ای داده است که فضای دینی خاصی را مخصوصاً برای زیست دینی جوانان رقم زده است و آنان را در معرض تضادها و تعارض‌های فکری و عملی آنها قرار می‌دهد.

بیشتر جوانان در مصاحبه‌هایشان اظهار داشته‌اند که این فضا و تکثر و تعدد گفتمان‌ها، مکتب‌ها، و ایدئولوژی‌های دینی و سیاسی فضای را متشنج و پر تنش کرده و به گرایش جوانان به سکولارشدن و دین‌گریزی انجامیده است. در این شرایط، به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان، لازم است فضایی دموکراتیک ایجاد شود که این تنوع‌ها و تفاوت‌ها به کشمکش و خضونت دینی و سیاسی نیانجامد.

تضاد سنت‌های دینی و مدرنیته

با گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و تکثر زیست جهان‌ها^۴، و سیالیت معنا گمان می‌رود که از کارکردهای سنتی دین و قدرت آن تا حدی کاسته شده می‌شود. به تعبیر ماکس وبر در جامعه مدرن افسون‌زدایی^۵ از نمادها و پدیده‌های دینی رخ می‌دهد و افول دین‌داری و دست کم شخصی‌شدن دین به وقوع می‌پیوندد. از آن‌جا که شهر سنندج نسبت به سایر شهرهای استان کردستان بیشتر متأثر از نفوذ عناصر و پدیده‌های مدرن و فرایند مدرنیزاسیون بوده است در نتیجه، جوانان این شهرستان نیز تا حدی از آن‌ها تاثیر پذیرفته و زیست دینی آنان هم تغییر کرده است. هورام در مصاحبه‌اش می‌گوید:

۱. گفتمان سوسیالیستی: اولین بار توسط حزب کومله (۱۳۴۸) شکل گرفت که بعدها به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد.

۲. گفتمان ناسیونالیستی: اولین بار در کردستان توسط گروهی به نام "کومله‌ی ژئانه‌وی کورد" یعنی جامعه احیای کُرد (۱۳۲۴) مطرح شد.

۳. گفتمان اسلام‌گرایان: این گفتمان اولین بار توسط احمد مفتی‌زاده در دهه پنجاه و با تشکیل مدارس دینی در سنندج و مرپوان شکل گرفت و بعد از انقلاب در قالب دو گروه "مکتب قرآن" و "جماعت اصلاح و دعوت ایران" یا همان اخوان المسلمین ایران به فعالیت خود ادامه داد.

4. Life world

5. Disenchantment

«خانواده‌هایمان اکثراً سنتی هستند یعنی تابع اون سنت‌هایی هستند که به صورت ارث به اونا رسیده و از جمله دین نیز همانند ارثی یا سنتی که به اونا رسیده قبولش دارن. اما از این طرف ما جوونا مثل اونا که نیستیم، یعنی نگرش‌های ما متفاوت با اوناست، خوب این تفاوت در نگرش‌های دینی ما و اونا با هم در اکثر مواقع تنش ایجاد می‌کنه که من خودم درون خانواده با این چالش روبرویم».

مصاحبه‌شوندگان نفوذ پدیده‌ها و دیدگاه‌های مدرن را موجب کم‌رنگی آموزه‌های دینی و مقدسات عنوان می‌کنند. آنان اظهار می‌کنند که نفوذ مدرنیزاسیون سنت‌ها و زیست دینی را با چالش‌های مواجه کرده است. به طوری که سنت‌های دینی بیشتر از هر چیز دیگری دستخوش تحول و تغییر گردیده است. نوید در مصاحبه‌اش می‌گوید:

«من خودم فکر می‌کنم که جریان مدرنیزاسیون و تأثیر مدرنیته تا حدی که در منطقه ما نفوذ کرده با سنت‌های دینی در اکثر موارد تعارض داشته اصلاً فقط با دین نیست. با بسیاری از نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی ما هم متعارض بوده و هست».

ایدئولوژی‌های سیاسی-دینی مرکزی

در طول دوران‌های مختلف گردها بر سر مطالبات خود با حکومت مرکزی تعارضاتی داشته‌اند و نگاهی امنیتی نسبت به استان کردستان و گردها ترویج یافته. به تبع این شرایط سیاست‌های خاصی از مرکز در جهت کنترل هر چه بیشتر منطقه و پیشبرد سیاست‌های ناسیونالیستی مرکزی و ملی وجود داشته است. این مسئله، در حوزه دین هم منشاء تعارض‌هایی بوده است، به خصوص از بعد از انقلاب که حکومت مرکزی به نام و به نمایندگی از دین و مذهب تشیع متصدی امر حکومت شده است. در مصاحبه‌ها مشخص شد که جو سیاسی منطقه بر نگرش‌های دینی آنان تأثیر زیادی دارد و تحت شرایطی سیاست‌های اعمال شده مرکزی را چالشی برای زندگی دینی خود قلمداد می‌کردند. باسط ۳۰ ساله در این رابطه می‌گوید:

«بی شک یه سری مسائل هستند که بسیار بر نگرش‌های ما جوانان کُرد و نگاه ما به دین تأثیر داشته، کافیه به میان جوانان بری تا ببینی که این وضعیت بد ما (گردها) از هر لحاظ چقدر بر نگاه ما به دین و آموزه‌های دینی تأثیر گذاشته است. ایدئولوژی‌های که از بالا به زندگی ما در اتمام ابعاد تزریق می‌شه قطعاً بر نگاه من به دین هم تأثیر می‌گذاره. دین نتوانسته یا حداقل در جامعه ما نتوانسته که جامعه را به سمت یک وضعیت عادلانه و دموکراتیک پیش ببره و این را تا حدی ناشی از دین و ایدئولوژی‌های با نام دین می‌دانم».

فرید در این مورد می‌گوید:

«جوونا چه خیر و عدالتی از دین دیدن که افول دین در میان اونا به وجود نیاد، بابا با این وضعی که هست، این همه بی‌عدالتی، نگاه‌های امنیتی و سیاسی که به ما و استان کردستان هست نباید انتظار داشته باشیم جوونا به دین بچسبن».

از متن مصاحبه‌ها می‌توان دریافت که فضای سیاسی منطقه و اعمال سیاست‌های مرکزی چه سیاسی و چه دینی تزریق شده به جامعه کردستان بر نگاه به دین جوانان مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است. به طوری که جوانان این فضا و جو خاص حاکم بر منطقه و استان را چالشی برای زندگی دینی تلقی می‌کنند. اعمال سیاست‌های مرکزی چه سیاسی و چه دینی نارضایتی‌هایی ایجاد می‌کند و چون حکومت به نام دین و خدا این سیاست‌ها را اعمال می‌کند، جوانان کُرد مورد مطالعه، همه آن نارضایتی را به حساب دین می‌گذارند.

فرقه‌گرایی

فرقه‌های دینی به عنوان واقعیتی دینی که در متن کردستان موجودند، پدیده‌های تاریخی و فرهنگی هستند که هر کدام پیروان دینی و یا به تعبیر خودشان برادران دینی را برای خود گردآورده‌اند. تشکیل هر کدام از این فرقه‌ها را می‌توان رویدادی دینی در بستر کردستان قلمداد کرد که در فضای کردستان تأثیرگذار بوده است. برای نمونه فرقه‌های نقشبندی و قادریه را می‌توان نام برد که وجود این فرقه‌ها همواره گفتمان‌های دینی و فراز و فرودهایی را چه برای مردم کردستان و شهرستان سنندج و چه برای دولت در پی داشته است. پیروی هر کدام از این فرقه‌ها از باورهای خاص خود، در فضایی که تعصب‌های دینی جریان دارد و مدارای کمی به چشم می‌خورد، معمولاً به تنش‌های دینی دامن می‌زند.

شاهو در این مورد می‌گوید که:

«من خودم به تجربه که دیده‌ام و در میان این افراد بوده‌ام، فکر می‌کنم که وجود این فرقه‌ها و گروه‌ها در جامعه ایجاد تنش می‌کنه، چون الان هیچ کدام از این فرقه‌ها و گروه‌ها حرف دیگری رو قبول نداره. اهل حقی‌ها به چیزی میگن، صوفی‌ها به چیزی میگن. نتیجه این جو، چه چیزی جز تنش میتونه باشه».

نظر توفیق در این رابطه:

«به نظر من در جایی که چند فرقه یا مکتب در کنار هم باشن تعارض ایجاد می‌شه، چون هیچکدوم دیگری رو قبول نداره و یا اعتقادات خودشو از دیگری بهتر می‌دونه. خوب با این اوصاف همیشه برای من بشخصه این گفتمان‌های متعارض و متفاوت چالش‌داره و تنش‌زاست. و فکر می‌کنم در جامعه هم همینطوره و همین در نگاه من جوان به دین بسیار تأثیرگذاره».

ترکیب و تعارض دین و سیاست

بنا بر مصاحبه‌های صورت گرفته، بخشی از جوانان کُرد بیشتر معتقد به جدایی دین و سیاست از هم هستند. از آنجایی که کشور ما دارای یک حکومت دینی است و سیاست و دین با هم پیوند وثیقی دارند، این پیوند از دید بخشی از جوانان مورد مطالعه، در بیشتر موارد چالشی برای زیست دینی تلقی می‌شود. آن‌ها ترکیب دین و سیاست یک مسئله می‌دانند و برای آن استدلال‌هایی ارائه می‌کردند.

رضا ۲۵ ساله می‌گفت:

«صدرصد دین و سیاست باید از هم جدا باشد، چون در جامعه آدم‌هایی با تفکرات متفاوت و مختلف وجود داره و وقتی که بخوان مذهب رو وارد سیاست کنن این باعث میشه که تفکر یه سری آدم بر دیگران اعمال بشه، یعنی حتی اگه این افراد در اکثریت هم باشن این استبداد اکثریت میشه و من این رو نمی‌پذیرم که در جامعه ما میشه گفت که این رخ داده است».

هورام ۲۸ ساله در این رابطه می‌گوید:

«من به عنوان جوان کُرد می‌گم که باید دین و سیاست از هم جدا باشن، چون فکر میکنم که اگر این جوری بشه، بهتر میشه به تمام اقلیت‌های دینی احترام گذاشت و یه جوری این به نجات دین کمک میکنه».

باسط هم در مصاحبه‌اش می‌گوید که:

«دین نمی‌تونه اون سیاست‌های که باید درست اعمال شه رو به درستی جلو بیره، یا حداقل در کشور نتونسته و خیلی از سیاست‌ها بر ضد دین داره اعمال میشه».

جوانان مورد مطالعه، فضای ناعادلانه و به قول آن‌ها بی‌عدالتی‌های که ناشی از سیاست است را در گرایش آن‌ها به سکولار بودن و افول دین در میان جوانان دخیل می‌بینند و از فضا و جامعه‌ای می‌گویند که باعث می‌شود آن‌ها و جوانان کُرد چنین گرایشات داشته باشند.

بلال ۲۴ ساله می‌گوید:

«من معتقدم که جدایی دین از سیاست و سکولار شدن یه دولت یا یه جامعه، در مقطعی و دوره‌ای می‌تونه بسیار مفید باشه. منظور من این نیست که ما دین رو کنار بذاریم یا نادیدش بگیریم، بلکه منظور اینه که به شیوه‌ای تبلیغی نرم مسئله دین رو به حیطة فردی تقلیل بدیم. سکولار شدن (جدایی دین و سیاست) میتونه در جامعه‌ای هم بسیار موثر واقع بشه حتی برای نجات دین، و اخلاقیات دینی».

با توجه به مصاحبه‌ها، ملاحظه می‌شود که جوانان مورد مطالعه به جدایی دین از سیاست گرایش داشته و ترکیب دین و سیاست را چالشی دانسته‌اند که باعث می‌شود به خاطر بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه و اعمال سیاست‌های غیرقابل قبول، افول دین در جامعه و در بین جوانان رشد کند.

رشد بی‌عدالتی‌های سیاسی/دینی/ساختاری

ساختار یک جامعه در نگرش افراد آن جامعه نسبت به مسائل تأثیرگذار است. استان کردستان از استان‌های کشور است که روند توسعه در آن نسبت به دیگر استان‌ها دارای کم‌ترین رشد بوده است.^۱ از سوی دیگر ستیزهای قومی و سیاسی دامنه دار، و به تبع آن، غلبه نگاه سیاسی - امنیتی در برخورد با مسائل این منطقه هم، در تشدید و تداوم شرایط بد اقتصادی و اجتماعی در منطقه بی‌تأثیر نبوده است. از مصاحبه‌های به عمل آمده می‌توان اثر کمبودها و به تعبیر آنان بی‌عدالتی‌های سیاسی، ساختاری و دینی را بر زیست دینی آنان به خوبی مشاهده کرد.

هورام می‌گوید:

«دین مسئله مهمی در زندگی منه اما مسائل زیادی هستند که شاید مهمتر از دین هستند، می‌تونم بگم که مسائلی مانند قومیت و مشکلات و اجتماعی و اقتصادی به مراتب بیشتر برام مهم هستند و در اولویت هستند».

فضای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کردستان بر روی مسائل دینی و نگاه به دین بسیار تأثیرگذار می‌باشد. به طوری که طبق مصاحبه‌هایی که به عمل آوردیم روشن شد که جو خاص کردستان از هر بعد (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) بر نگرش‌ها، رویکردها و زندگی دینی جوانان مورد مطالعه بسیار تأثیرگذار بوده است.

باسط می‌گوید:

«این وضعیت بد ما (کردها) از هر لحاظ خیلی بر نگاه ما جوان‌ها به دین و آموزه‌های دینی تأثیر گذاشته. ایدئولوژی‌هایی که از بالا به زندگی ما در اتمام ابعاد تزریق می‌شه قطعاً بر نگاه من به دین نیز تأثیر می‌گذاره. این‌که الان ما می‌بینیم و من به تجربه در میان دوستان و جوانان می‌بینم که بسیاری از آن‌ها سکولار هستند، بدون شک این ناشی از شرایط جامعه هست و می‌تونم بگم این به خاطر وضعیتی که در یک فضای دینی برای ما درست کرده و ساخته‌اند. الان بیشتر جوونای ما گرایش‌های

۱: به سایت اداره کار و رفاه اجتماعی و استانداری کردستان رجوع شود

سکولار دارند. چرا؟ چون فکر می‌کنند که دین نتونسته یا حداقل در جامعه ما نتونسته که جامعه رو به سمت یک وضعیت عادلانه و دموکراتیک پیش بیره.»
سلمان نیز نظرش را این‌گونه بیان می‌کند:

«ما الان اون قد مشکلات داریم که اصلا به دین فکر نمی‌کنم، آخه مگه میشه تو این وضعیت و مشکلات به دین فکر کرد. آخه میگن که، از دری که فقر بیاد تو از در دیگه دین بیرون میره. و الان میشه اینو تو زندگی ما جوونا مشاهده کرد.»

ملاحظه می‌شود که جوانان مورد مطالعه بی‌عدالتی‌های موجود را در استان و شهر سنندج چالشی برای زندگی دینی می‌دانند به طوری که از مصاحبه‌های آن‌ها بر می‌آید می‌توان گفت که رشد این بی‌عدالتی‌ها منجر به بدبینی به سیاست‌های دینی شده و بر زیست دینی آنان تأثیرات منفی عمیقی گذاشته است.

تحت تأثیر تمامی عوامل، شرایط و بسترها و موقعیت‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، جوانان مورد مطالعه، کنش‌ها و تعاملاتی را در این رابطه انجام داده‌اند و یا اتخاذ کرده که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

بی‌اعتمادی به معرفان دین

ایدئولوژی‌های سیاسی - دینی مرکزی و رشد بی‌عدالتی‌های ساختاری و دینی که در بالا به عنوان مقوله‌های شرایطی از آن‌ها بحث شد، باعث شده است که نسبت به معرفان و نهاد دین و سیاست‌گذاری‌های این حوزه بی‌اعتمادی ایجاد شود. هورام می‌گوید:

«الان این‌جا وقتی جوونا میان نموده‌های دین رو می‌بینن که یکی ادعای دینی بودن میکنه و می‌ره به داعش می‌پیونده، اونایی که ادعای دینی دارن و فاکتورهای دینی رو هم رعایت نمی‌کنن مثل جامعه ما. از این‌جاست که من جوون از دین زده میشم. اصلا دین چه دستاوردی برای جامعه ما داشته و یا داره، خیری از دین و هرچی ادعای دینی بودن و دین‌داری ندیدیم چه در سطح سیاست‌گذاری و چه در سطح فردی و اجتماع.»

به‌نماد نظرش را این‌گونه بیان می‌کند:

«خوب این‌که در جامعه‌ای کسی ادعای دین رو میکنه، یعنی این ادعا که دین‌داره، باید پای اون ادعاش هم وایسه و واقعا اسلامی عمل کنه. ولی این‌جا آدم می‌بینه که اونایی که ادعای دین رو می‌کنن از آدمای بنیادگرای سلفی بگیر تا مردم عامه خلاف دین و اسلام عمل می‌کنن و با نام دین فتوای غیردینی می‌دن خوب معلومه که من نسبت به اونا نگرشم عوض میشه و دید منفی پیدا می‌کنم.»

اسعد هم می‌گوید:

«ببینید ما در کشور خودمون و هم در سطح جهانی معرفان دین خیلی خوب عمل نکردن و صورت خوشی رو از دین برای جوونا به جای نداشتن».

دنیاگروی

شرایطی که به آن‌ها اشاره شد، پیامدهایی برای نوع زندگی افراد داشته‌اند که از جمله، می‌توان به پر رنگ شدن گرایش دنیاگرایانه جوانان اشاره کرد.
فرید ۲۷ ساله می‌گوید:

«امروزه فکر نمی‌کنم که دین بتونه بر گرایشات دنیاگرایانه جوانان غالب بشه. با توجه به این که من فروشنده‌ام و با جوانان زیادی در طول روز سروکار دارم، فکر می‌کنم این گرایش به دنیاگرایی در جوانان کاملاً مشهوده».
رضا می‌گوید:

«بنا به تحقیقی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام داده بود و در اون تحقیق مراکز استان‌های مختلف رو از نظر ارزش‌های سکولار و میزان مذهبی بودن سنجیده بودن، نشون داده بود که سنندج از نظر ارزش‌های سکولار در رتبه سوم و از نظر مذهبی بودن در رتبه هفدهم بوده. این تحقیق انتظارات من رو برآورده کرد چون من کلاً جو جامعه کردستان و از جمله سنندج رو سکولار می‌دونم. همین توجه به مسائل مهم و داغ قومی-سیاسی و کم رنگ شدن دین، یه جورایی می‌شه گفت نشان از افول دین در بین اونها و رشد ارزش‌های این دنیایی داره».

"تنش‌های چندوجهی مقوم سکولارشدن"

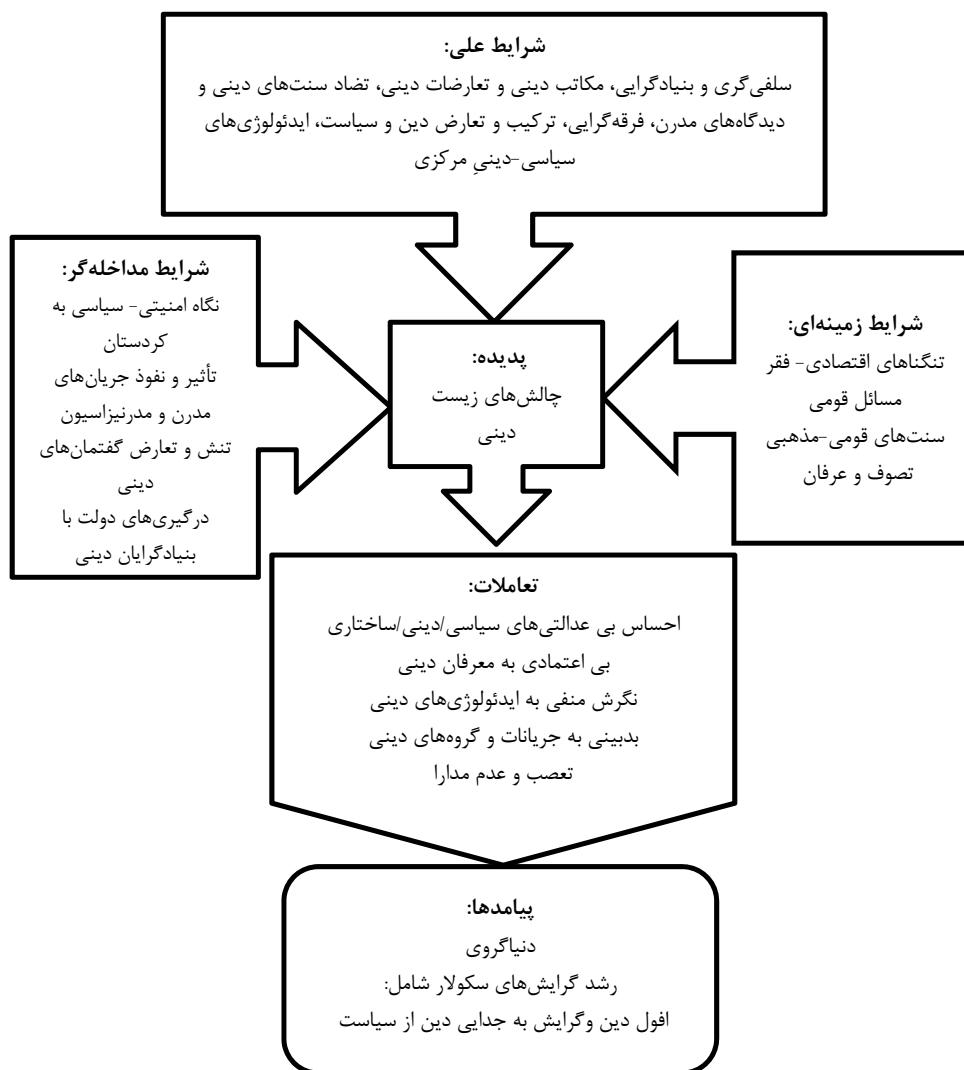
با توجه به مقوله‌بندی‌های انجام گرفته تلاش شد، مقوله هسته تبیین‌کننده موضوع مورد مطالعه استنتاج شود. هدف از کدبندی گزینشی انتخاب مقوله‌ای است که بتواند حداکثر فضای مفهومی مقوله‌های عمده را در بر گرفته و آن‌ها را حول خود سازماندهی و به هم مرتبط سازد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۱۰). تامل در مفاهیم و مقوله‌های استنتاج شده از مصاحبه‌ها، مقوله «تنش‌های چندوجهی مقوم سکولارشدن» به عنوان مقوله هسته و محوری و پوشش دهنده همه مقوله‌ها و توضیح دهنده چالش‌های زیست دینی جوانان مورد مطالعه سنندج انتخاب شد.
براساس مقوله هسته که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقوله‌هاست و به مثابه مقوله مرکزی، مفهومی است که می‌تواند کلیه مقولات و مباحث فوق را پوشش دهد و جنبه تحلیلی داشته باشد، جوانان در محیطی متکثر، چالش‌های دینی را به مثابه تنش‌های چندوجهی (قومی-سیاسی-دینی) قوام‌بخش سکولارشدن درک و تفسیر می‌کنند. بدین معنا که آنان در محیطی با انواع متفاوت و

متعارضی از مکتب‌ها، دیدگاه‌ها، و فعالیت‌ها و ستیزه‌ها روبه‌روی‌اند و این شرایط به تنش‌هایی چندوجهی و چندجانبه دامن زده که در نهایت به رشد گرایش سکولار در میان آن‌ها کمک کرده است. این فرآیند براساس بسترها، عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، تعاملی و پیامدی در قالب مدل پارادایمی (شکل ۱) تنظیم و ترسیم شده است.

نتیجه‌گیری

کردستان در تجربه تاریخی خود دارای گروه‌ها و جریان‌های فکری سیاسی مختلف و گفتمان‌های قومیت‌گرا و ناسیونالیستی، سوسیالیستی و اسلام‌گرا بوده است. در بین اسلام‌گرایان علاوه بر صورت‌های سنتی نهاد دین و شبکه‌های محلی و منطقه‌ای مساجد و روحانیان سنی و شیعه، شاخه‌های مختلف تصوف و عرفان و مکتب‌ها و فرقه‌های دیگری مثل سلفی‌ها، پیروان مکتب قرآن، اخوان المسلمین و جمعیت دعوت و اصلاح هم در منطقه حضور و فعالیت دارند. بنابراین کردستان دارای نوعی تکثر دینی و مسلکی است. در این میان، اختلافات و تنش‌های گسترده‌ای در حوزه دین بین پیروان هر کدام از این فرقه‌ها و مکتب‌های دینی شکل گرفته است و به صف بندی‌هایی میان مردم منجر شده است، به صورتی که این صف‌بندی‌ها و تنش‌ها و چالش‌های ناشی از آن در مساجد و مکان‌های عمومی و مناسک دینی ظهور و بروز داشته است.

از سوی دیگر، به دلیل تعارضات و تنش‌های سیاسی-تاریخی طولانی مدت و فقدان و ضعف یک زمینه مسالمت‌آمیز برای گفت‌وگو و حل تعارضات از راه‌های مسالمت‌آمیز، این تکثر زمینه‌ساز انواعی از تعارضات و چالش‌های نظری و عملی شده است. تا مدت‌ها و تا دهه پنجاه و شصت، گفتمان غالب در صحنه سیاسی اجتماعی کردستان گفتمان‌های سکولار و احزاب و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و سوسیالیستی بوده است. با وجود این رشد جریان‌های دینی از دهه‌های ۵۰ شمسی در مقابل جریان‌های سکولار مطرح شده و در سال‌های اخیر هم سلفی‌گری به عنوان یک گفتمان فعال در خاورمیانه، در کردستان نیز ظهور و بروز داشته است.



شکل ۱: مدل پارادایمی درک جوانان سنندجی از چالش‌های زیست دینی به مثابه "تنش‌های چندوجهی مقوم سکولار شدن"

حضور و فعالیت این گفتمان‌ها و فرقه‌ها آن هم در یک زمینه مبتنی بر تعارض‌های ریشه‌دار و تاریخی در سپهر سیاسی - اجتماعی کردستان، به یک چالش بزرگ فکری و عملی برای زیست

دینی جوانان بدل گشته است. یافته‌های حاصل از مصاحبه با نمونه‌ای از جوانان سنندج حاکی از آن است که بیشتر این چالش‌ها ناشی از متن و ساختار منطقه و جامعه کردستان و به‌خصوص در سال‌های اخیر ناشی از رشد گرایش‌های بنیادگرا و جریانات تند مذهبی می‌باشد. در شرایطی که منطقه با نوعی محرومیت اقتصادی، که خود تا حدودی ناشی از تنش‌ها و ستیزه‌های تاریخی می‌باشد روبه‌رواست، و احساس تبعیض مذهبی و قومیتی شکل گرفته، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های دینی عقیدتی که تبلیغ و اعمال می‌شود تنش‌ها و تعارضات فکری عملی جریان‌های متکثر دینی و سیاسی را تشدید می‌کند. این تعارضات در فضایی که گفتمان سکولار از یک نفوذ و تأثیرگذاری تاریخی منطقه‌ای برخوردار بوده، می‌تواند به تقویت دیدگاه سکولار در میان جوانان بینجامد.

به عبارت دیگر، به سبب نوعی تکثر دینی- مسلکی و عقیدتی که ناشی از وجود مکاتب و فرقه‌ها و گروه‌های دینی و از سوی دیگر وجود گفتمان‌های سوسیالیستی، ناسیونالیستی و اسلام‌گرا در کردستان و از جمله شهرستان سنندج می‌باشد، مردم و جوانان در معرض تعارض‌ها و تنش‌های چند وجهی و چند جانبه قرار دارند. به عبارت دیگر، تکثر دینی و سیاسی چنانچه همراه با فرهنگ و ساختارهای ذهنی و عینی تکثرگرا^۱ و در زمینه‌ای غیرگفت‌وگویی و نادموکراتیک جریان داشته باشد، عملاً به تنش‌ها و تعارضات چند سویه و گاه خشونت آمیز دامن می‌زند. خستگی از این تنش-ها و ستیزه‌های دینی سیاسی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز بی‌علاقگی به دین و سیاست به عنوان مسبب این مسائل باشد.

از سویی دیگر، جوانان مورد مطالعه، به سبب توسعه نیافتگی که در منطقه کردستان وجود دارد، احساسی از بی‌عدالتی و تبعیض در وجودشان شکل گرفته است و دولت و حکومت مرکزی را مسئول این توسعه نیافتگی و عامل بی‌عدالتی و تبعیض‌های قومی و دینی می‌دانند. و چون حکومت مرکزی حامل و مبلغ ایدئولوژی دینی است، این احساس تبعیض و بی‌عدالتی، موجب رشد احساس بی‌اعتمادی نسبت به معرفان و نهاد دین و ایدئولوژی‌های دینی می‌شود و نوعی دنیاگرایی در میان آنان را تقویت می‌کند.

در مجموع انتزاع صورت گرفته از مقوله‌های برآمده از مصاحبه‌ها، به انتزاع مفهوم "تنش‌های چندوجهی مقوم سکولار شدن" انجامید که بازنمای زیست دینی و اجتماعی مصاحبه‌شوندگان است. به عبارت دیگر می‌توان گفت جوانان کُرد مورد مصاحبه، خود را در میانه تنش‌های چندجانبه مذهبی، فرقه‌ای، قومی، و سیاسی و اجتماعی فعال در کردستان می‌بینند که در یک محیط غیر گفتگویی و پرتنش جریان دارد و نگرش‌های سکولار را در آنها تقویت می‌کند. زیرا، شرایط موجود

آن‌ها را به سمت دیدگاه‌های دنیاگرایانه، بدبینی نسبت به حاملان و مبلغان دینی و فرقه‌های متنوع، و جدایی دین از سیاست متمایل کرده است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، سامان (۱۳۹۱)، بررسی سازوکارهای اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش کردها به مکتب قرآن، پایان نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران به راهنمایی سارا شریعتی.
- اعظم‌آزاده، منصوره و هاوژین بقالی (۱۳۹۰)، *تحلیل جامعه‌شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران*.
- استراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰)، *اصول روش تحقیق کیفی*، نظریه‌ی مبنایی: رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برگر، پیتر؛ لاکمن، توماس (۱۳۷۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- برگر، پیتر، برگر، بریجیت؛ کلنر، هانسفرید (۱۳۸۱)، *ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- بکفورد، جیمز ای (۱۳۸۹)، *دین و نظریه اجتماعی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۳)، "سنت‌گرایی و بنیادگرایی" <http://canoan.org>
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۳)، "بررسی جامعه‌شناسی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی"، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۷ (۲): ۲۳۳-۲۵۳.
- زاکرم، فیل (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه خشایار دیبهمی، چاپ اول، تهران: نشر لوح فکر.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و احمد حمیدی زاده (۱۳۹۱)، "جنبش‌های بنیادگرایی دینی، غرب شناسی بنیادی"، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۳ (۲): ۷۵-۱۰۵.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۵)، *عصر اطلاعات*، ترجمه حسن چاووشیان، ج ۲، تهران: طرح نو.
- کنت تامسون و دیگران (۱۳۸۱)، *دین و ساختار اجتماعی*، ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی، تهران: انتشارات کویر.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ویلیم، ژان پل (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تیبیان.
- Bainbridge, William, (1994), *The Sociology of Religious Movements*, London: Routledge.
- Berger, Peter L. (1967), *Sacred Canopy; Elements of a Sociological Theory of Religion*, New York: Anchor Books/Doubleday.

Bowker, John. (1996), *World Religions (The Oxford Dictionary)*, Oxford, Oxford University Press.

Bryan Wilson (1982), *Religion in Sociological Perspective*, New York: Oxford University Press.

Dabblar, Karl (1999), "Toward an Integrated Perspective of the Processes Related to the Descriptive Concept of Secularization," *Sociology of Religion*, 15: 229-248.

Howland W. (1999), *Religious Fundamentalism*, New York: St. Martin.

Johnston, R. (1975), *Religion and Society in Interaction: The Sociology of Religion*, Englewood Cliffs, N. J.: Prentice-Hall.

Moore Stephen (1988), *Sociology Alive*, UK: Nelson Throne.

Turner, Brayan (2012), *Sociology of Religion*, Oxford: Blackwell Publishing Ltd.

Woodhead, Lnda and Paul Heelas (2000) *Religion in Modern Time*, Oxford: Blackwell Publishers.

پیوست ۱. اطلاعات زمینه‌ای مصاحبه شونده‌گان

شماره	سن	تحصیلات	شغل
۱	۲۷	دیپلم	بیکار
۲	۱۹	دیپلم	کافی‌نت‌دار
۳	۲۵	کارشناسی ارشد	دانشجو
۴	۲۹	سیکل	مکانیک
۵	۲۵	کارشناسی	کارمند
۶	۲۸	کارشناسی ارشد	مسئول داروخانه
۷	۳۰	کارشناسی ارشد	دانشجو
۸	۲۴	دیپلم	آزاد
۹	۲۶	دیپلم	آزاد
۱۰	۲۷	کارشناسی	بیکار
۱۱	۲۳	راهنمایی	آزاد
۱۲	۲۲	راهنمایی	میل فروش
۱۳	۳۰	راهنمایی	بیکار
۱۴	۲۹	کارشناسی	آرایشگر
۱۵	۳۴	سیکل	فروشنده مواد بهداشتی

دانشجو	کاردانی	۲۰	۱۶
بیکار	دیپلم	۲۸	۱۷
نقاش	کارشناسی	۲۵	۱۸
کارمند	کارشناسی	۲۷	۱۹
دانشجو	کارشناسی	۲۴	۲۰
بیکار	دیپلم	۱۹	۲۱
بیکار	دیپلم	۲۰	۲۲
مکانیک	دیپلم	۲۸	۲۳
فروشنده پوشاک	فوق دیپلم	۲۴	۲۴
مغازه‌دار	سیکل	۳۰	۲۵
بیکار	دیپلم	۲۵	۲۶
دانشجو	کارشناسی	۲۰	۲۷
راننده	دیپلم	۳۰	۲۸
بیکار	سیکل	۲۹	۲۹
خشکبار فروش	کارشناسی	۲۲	۳۰
دانشجو	کارشناسی ارشد	۳۰	۳۱
بیکار	دیپلم	۲۰	۳۲
دانشجو	کارشناسی ارشد	۲۶	۳۳
بیکار	دیپلم	۲۰	۳۴
کارمند	کارشناسی	۳۰	۳۵